

چه کنیم با این بابای غریب!

فاطمه قنبرزاده

جبار

۱۶

ش ۱۳۷



پرسش: پدر پیری دارم. عیب مهم او این است که خیلی بد دهن است و همه را مسخره می‌کند. حدودا یکسال و نیم است که مادرم از دنیا رفته. هر وقت حرف از فامیل‌های مادرم می‌شود آن‌ها را مسخره می‌کند و به آن‌ها فحاشی و توهین می‌کند. من هم عصبانی می‌شوم و در این مواقع با او حرف می‌شود. به نظر شما من باید چکار کنم؟ وظیفه من در قبال چنین پدری چیست؟ آیا می‌توانم جواب فحش‌هایش را بدهم؟

در روایات ما نیز بسیار به این مسئله تاکید شده. مثلا «ابراهیم بن شعیب» می‌گوید: به امام صادق ۷ عرض کردم: پدرم بسیار پیر و سالخورده و ناتوان شده است. هرگاه حاجتی داشته باشد او را بر می‌دارم و بر دوش می‌کشم. حضرت فرمود: «اگر بتوانی عهده‌دار کارهای او شوی چنین کن، حتی با دستانت لقمه در دهان او بگذار، که این کار فردای قیامت، برای تو بهشت (یا سپر آتش) خواهد بود.» (بحارالانوار، ج ۷، ص ۵۶)

البته هدف شما در انجام این امور و توجه بیش از پیش به پدرتان کسب رضایت الهی باشد. اما بدانید که نفس همین سکوت و حفظ احترام و توجه شما از نظر روانشناسی هم بی‌تأثیر نخواهد بود. زیرا همچنان که کودکان و نوجوانان، از رفتار و عمل بزرگترها درس و الگو می‌گیرند، سالخوردگان نیز گاهی از نظر فکری و قضاوت و دیدگاه، تحت تأثیر رفتار جوانان قرار می‌گیرند.

موارد بسیاری مشاهده شده که خانواده‌ای غیر متدین و

نورزیدن به او، بی‌درنگ می‌فرماید: «به پدر و مادر خود احسان کنید».

در آیه ۲۳ از سوره اسراء هم به همین شکل: «و پروردگار تو مقرر ساخت که جز او را مپرستید و به پدر و مادر خویش احسان کنید».

در جایی دیگر، قرآن کریم سفارش می‌کند که در برخورد با پدر و مادر پیر و فرتوت خود، اظهار خستگی و ناشکیبایی نکنید. آن‌گونه نباشید که آن‌ها احساس کنند شما از خدمت کردن به ایشان خسته شده‌اید: «اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند، به آن‌ها اف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آن‌ها سخنی شایسته بگو و از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو: پروردگارا، آن دو را رحمت کن، چنان که مرا در کودکی پروراندند.» (اسراء، آیه ۲۳ و ۲۴)

روشن است که این آیه تنها مخصوص والدین پیری که کماکان خوش اخلاق و مهربان و خوش زبان هستند نیست و شامل همه والدین پیر و فرتوت می‌شود.

پاسخ: خواهر گرامی با تشکر از تماس شما. مهم‌ترین رابطه انسانی، رابطه فرزند با پدر و مادر است که اصل وجود فرزند وابسته به آن‌هاست. آنچه پدر و مادر برای فرزند انجام می‌دهند، به هیچ وجه قابل جبران و مقابله نیست. از این رو نمی‌توان بر اساس قاعده رفتار متقابل و برابر با آنان رفتار نمود و همانند خودشان به آنان پاسخ داد. گویا به همین دلیل است که قرآن کریم معیار ارزش را در رابطه با پدر و مادر، احسان قرار داده است. در هیچ آیه‌ای هم نیامده که فرزند باید با پدر و مادرش رفتاری عادلانه داشته باشد؛ زیرا در چنین موضوعی، عدل و برابری در رفتار کارایی ندارد.

البته این امر در مواردی، بخصوص در مورد شما، کار آسانی نیست و نیاز به تقوا و ایمان بسیار دارد و چه بسا به خاطر همین سختی و دشواری و اهمیت، قرآن کریم در آیات متعدد بعد از سفارش به توحید، فرزندان را توصیه به احسان به پدر و مادر خویش می‌کند. مثلا در آیه ۳۶ از سوره نساء پس از امر به عبادت خدا و شرک

برای شما در پی نخواهد داشت، تا رسیدن به مرحله بهبود وضعیت کنونی و به حداقل رسیدن دفعات هتاک و ناسزاگویی ایشان؛ او را با همین شرایط بپذیرید. مطمئن باشید خداوند متعال هم با بندگانش و از جمله پدر شما با توجه به شرایط و مقدراتشان رفتار خواهد کرد.

۴. از زمینه‌هایی که می‌تواند باعث تکرار رفتارهای قبلی پدرتان شود جلوگیری کنید. تجربه نشان می‌دهد که افراد در چه موقعیت و شرایطی دست به رفتارهای خارج از چارچوب می‌زنند. تلاش کنید با مهارت جلوی بروز این رفتارهای نادرست پدرتان را بگیرید. چه مکان خاص یا فرد معین یا خاطره‌ای مشخص باشد و چه گفتگویی ساده که می‌تواند به آن نتیجه نامطلوب منتهی گردد.

۵. سعی کنید صد درصد تمرکز خود را روی زندگی شخصی و هدف‌های بلندی که پیش روی خود دارید قرار دهید و بیش از حد لازم به این مشکل فکر نکنید. از اتلاف عمر شریف‌تان، در امور خارج از حیطه وظایف و اختیارات‌تان پرهیز کنید. مطمئن باشید این قدر شما کار واجب زمین مانده دارید که فرصت عصبانیت و خودخوری و افسردگی از دست رفتارهای پدر گرامیتان را پیدا نخواهید کرد.

قطعا آن چه خداوند از شما انتظار دارد انجام همین امور مثبت است؛ نه اصلاح امور اصلاح نشدنی. موفق باشید.

خواهر محترم! با توجه به مطالب فوق توصیه ما به شما این است:

۱. در مقابل رفتار پدر با کمال احترام، ملایمت نشان داده، صبر پیشه کنید و هرگز رودرروی ایشان نایستید و در مقابل حرف‌های تند ایشان عکس‌العمل نشان نداده و به هیچ وجه بد دهانی او مجوز تکرار همان رفتار غلط از جانب شما نباشد. فحش و ناسزا در هر حال زشت است؛ پس به فکر مقابله به مثل نباشید، هرچند سکوت و ناراحتی مشفقانه‌ای که در چهره شما پیدا می‌شود، می‌تواند برای انتقال عمق ناراحتی‌تان نسبت به این حرف‌ها و تعبیر کافی باشد.

۲. به هر دلیلی اگر برخورد قهرآمیزی از پدرتان دیدید، لازم است سکوت کنید یا از روبرو شدن با ایشان خودداری کرده و آن‌جا را ترک کنید. همواره به یاد داشته باشید که او وظیفه حفظ عفت کلامش را دارد و شما وظیفه حفظ حرمت او را... پس بی‌توجهی او به وظیفه‌اش مانع انجام وظیفه شما نشود.

۳. بر اساس تحقیقات روانشناسی امکان تغییر عمیق اخلاقی در پدر شما در این سن تقریباً نزدیک به محال است. یعنی بسیار بعید است که پدرتان انسانی کاملاً خوش اخلاق و خوش زبان بشود. اما رفتار شما می‌تواند کم و کیف بروز رفتارهای نادرست او را تغییر دهد و به کمترین اندازه بکشانند.

پس توصیه می‌شود به جای تلاش بی‌ثمر در اصلاح عمیق اخلاقی ایشان که چیزی جز فرسودگی روانی

بی‌تفاوت نسبت به ارزش‌ها و پاکی‌ها، در اثر مشاهده رفتار شایسته از جوان‌شان، به راه آمده‌اند یا افرادی سالخورده تحت تاثیر رفتارهای صحیح فرزندان‌شان در رفتار خود تجدید نظر نمودند. در واقع، جوان پاکدل و پاک رفتاری چون شما می‌تواند، در کم و کیف رفتار پدر پیرش اثر بگذارد و جلوی عود رفتارهای غلط گذشته او را بگیرد.

در روایات ما آمده جوانی به نام «زکریا بن ابراهیم» که مسیحی بود، مسلمان شد و به سفر حج رفت. در این سفر، امام صادق (ع) را زیارت کرد و از امام پرسید: پدر و مادر و بستگانم هنوز نصرانی‌اند. چه کنم؟ مادرم نیز نابیناست. آیا با آنان باشم و با آنان غذا بخورم؟

امام صادق (ع) پرسید: آیا گوشت خوک می‌خورند؟ گفت: نه، اصلاً... حتی به گوشت خوک، دست نمی‌زنند. امام فرمود: با آنان باش و به مادرت رسیدگی کن و اگر از دنیا رفت، خودت کارهای مربوط به کفن و دفن او را انجام بده و به دیگران واگذار مکن. زکریا پس از بازگشت از سفر حج، به توصیه امام صادق (ع) به مادرش بسیار نیک و ملاحظت می‌کرد، به او غذا می‌خواند، لباس و سر و وضع او را تمیز می‌کرد و در خدمت وی کوشا بود. مادرش از این تغییر رفتار، سوآلی به ذهنش رسید و پرسید: پسر! قبلاً که نصرانی بودی با من چنین رفتاری نداشتی، چه شده که پس از مسلمان شدن چنین شده‌ای؟

زکریا پاسخ داد:

یکی از فرزندان پیامبر این دستور را به من داده است. مادر پرسید: آیا او پیامبر نیست؟ پسر گفت: خیر، او پسر پیامبر است. مادر اصرار داشت که نه، او حتماً پیامبر است، چون این گونه تعلیمات، از تعلیم پیامبران است. پسرش جواب داد: خیر، پس از پیامبر اسلام، پیامبری نخواهد آمد. او یکی از فرزندان آخرین پیامبر الهی است.

مادرش گفت: پسر! بهترین دین را برگزیده‌ای. این دین را به من هم ارائه بده و آن را بر من عرضه کن. بدین ترتیب فرزند تعلیم اسلام را بر مادر مسیحی خویش عرضه کرد. او هم به اسلام گروید و مسلمان از دنیا رفت. (بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۶۵)

این شاهدهی بر تأثیر عمل به «دستورهای دین» در مورد نحوه معاشرت با والدین و برخورد با سالمندان است که یک مسیحی را به اسلام جذب می‌کند و نور هدایت را در دل او می‌تاباند. ما نیز می‌توانیم با عمل به دستور دین در برخورد با والدین سالخورده، آن‌ها را هدایت و به اشتباه خود آگاه کنیم.

